

Abstract:

The present study is an attempt to answer these main questions: What is the official political socialization of the students of Allameh Tabatabai University of Tehran as the largest humanities university in the country? What are the components of political awareness, political attitude and political participation as components considered to measure the realization of formal political socialization among the students of this university? And according to the results of this research, what proposed solutions will be available to improve and develop the situation of formal political socialization of students?

This research has been done in a survey. Its statistical population includes students of Allameh Tabatabai University, both men and women (in 2014) and the study sample includes 313 students. The survey tool was a questionnaire in which the main variable, namely formal political socialization, was broken down into three levels and components of political awareness, political attitude and political participation, and these components themselves became a number of indicators and finally 54 appropriate questions and items. Are back. The results of this survey show a significant relationship between political awareness, political attitude and political participation among men and women. Also, the average political sociability of women was higher than men and political awareness in both groups was lower than the attitude and political participation. Finally, according to the results, special strategies for quantitative and qualitative development of this process have been proposed.

Keywords:

political socialization _ students _ political knowledge _ political attitude _ political participation/

بررسی وضعیت جامعه پذیری سیاسی در میان دانشجویان: مطالعه ی موردی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی

محمد باقر خرمشاد^۱عباسعلی رهبر^۲محمد حسین نیکزاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳/۱۲/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۲/۵/۱۴۰۱

چکیده

تحقیق حاضر تلاشی است برای رسیدن به پاسخ به این سؤالات اصلی که: وضعیت جامعه پذیری سیاسی رسمی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران به عنوان بزرگترین دانشگاه علوم انسانی کشور چگونه است؟ مؤلفه های آگاهی سیاسی، نگرش سیاسی و مشارکت سیاسی به عنوان مؤلفه های در نظر گرفته شده برای سنجش میزان تحقق جامعه پذیری سیاسی رسمی در میان دانشجویان این دانشگاه در چه میزان و وضعیت قرار دارند؟ و چه راهکارهای پیشنهادی با توجه به نتایج این پژوهش برای بهبود و توسعه ی وضعیت جامعه پذیری سیاسی رسمی دانشجویان وجود خواهد داشت؟

این تحقیق به صورت پیمایشی انجام پذیرفته است. جامعه ی آماری آن شامل دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی اعم از مردان و زنان (در سال ۱۳۹۳) می گردد و نمونه ی مورد مطالعه شامل ۳۱۳ دانشجوی می باشد. ابزار پیمایش پرسشنامه بوده که در آن متغیر اصلی یعنی جامعه پذیری سیاسی رسمی به سه سطح و مؤلفه ی آگاهی سیاسی، نگرش سیاسی و مشارکت سیاسی شکسته شده و این مؤلفه ها نیز خود به تعدادی شاخص و در نهایت به ۵۴ سؤال و گویه ی مناسب تبدیل گشته اند. نتایج این پیمایش نشان دهنده ی ارتباط معنادار میان آگاهی سیاسی، نگرش سیاسی و مشارکت سیاسی در میان زنان و مردان بوده است. همچنین میانگین جامعه پذیری سیاسی زنان بیشتر از مردان و آگاهی سیاسی در هر دو گروه نسبت به نگرش و مشارکت سیاسی پایین تر بود. در پایان با توجه به نتایج حاصله راهبردهای خاصی جهت توسعه ی کمی و کیفی این فراگرد پیشنهاد گردیده است.

کلید واژه ها: جامعه پذیری سیاسی- دانشجویان- آگاهی سیاسی- نگرش سیاسی- مشارکت سیاسی

^۱استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

^۲دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

^۳دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

اگر به جامعه پذیری سیاسی به عنوان فراگردی بنگریم که در آن دانش، ارزش، نگرش و اندوخته های سیاسی یک نسل و نسل های گذشته به تدریج و طی فرآیندی دائمی به نسل بعد منتقل می شود و طی آن یک جامعه به طور عام و نظام سیاسی به طور خاص با ابزارها و همچنین نوع طرح خاص خود (چه رسمی و چه غیر رسمی) و با عملکرد مستقیم یا غیر مستقیم خود این فرهنگ و داشته های معنوی شکل دهنده به امر سیاسی را به شکل آگاهانه یا ناآگاهانه به افراد موجود در جامعه و نسل بعد خود منتقل می کند؛ جامعه پذیری چه در سطح فردی و چه در سطح کلان و چه به شکل رسمی و یا به اشکال غیر رسمی آن، آن قدر اهمیت دارد که می تواند از یک سو حیات و استمرار ارزش های مطلوب سیاسی یک جامعه و تعداد قابل توجهی از اعضای آن را (عرف عمومی و غالب یک جامعه) تأمین نماید و از سوی دیگر استمرار ارزش های مطلوب یک نظام سیاسی و در حقیقت حیات آن را تضمین نماید.

به عقیده ی مهرداد: «بدون وجود چنین فراگردی، هر نسلی ناچار است که فرهنگ سیاسی جدیدی را خلق کند و به طور کلی همه چیز را از نو بیاغازد و خود را با آن تطبیق دهد. به عبارت دیگر، چنانچه انتقال فرهنگ سیاسی با کلیه ی محتوای عقیدتی-ارزشی آن از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی شد؛ هیچ نظامی قادر به ادامه ی حیات خود نبود.» (۱۳۷۶: ۱۸)

جامعه پذیری سیاسی گروه دانشجویان به عنوان یکی از گروه های سرنوشت ساز در شکل گیری حرکت های تاریخی و جنبش های مهم فکری و سیاسی- اجتماعی از آن حیث اهمیت دارد که در صورت غفلت از وضعیت آن و به خصوص فراموش نمودن نقش نهاد و محیط دانشگاه در تغییر نگرش ها و ارزش های اولیه شکل گرفته در محیط هایی چون خانواده و مدرسه، می تواند موجب غفلت از افزایش شکاف ارزشی و نسلی میان دانشجویان و سایر گروه های اجتماعی خارج از محیط دانشگاه از یک سو و همچنین دانشجویان و نظام مستقر سیاسی به طور خاص، از سوی دیگر گردد. «مسئله یک نظام سیاسی می تواند برای موجودیت و تداوم حیات خود به طور محدود هم که شده با توسل به وسائل و ابزار «زور» و یا با استفاده از عوامل اقتصادی و توزیع منابع و ارزش های محدود و کمیاب بین طرفدارانش خود را حفظ کند، ولی هیچ نظامی قادر نیست برای تداوم بخشیدن به حیات خود در دراز مدت تنها بر این دو عامل متکی باشد.» (مهرداد، ۱۳۷۶: ۱۸-۱۹)

از آن جایی که دانشجویان علوم انسانی بخش مهمی از رسالت فکری در جنبش نرم افزاری ایران اسلامی را بر عهده دارند و دانشگاه علامه طباطبایی نیز به طور ویژه بزرگ ترین مرکز تجمع دانشجویان علوم انسانی و یکی از دانشگاه های مادر کشور محسوب می گردد؛ این تحقیق در نظر دارد تا به بررسی این مسئله بپردازد که وضعیت تحقق جامعه پذیری سیاسی رسمی دانشجویان و مؤلفه های آن در سطح این دانشگاه چگونه بوده و احیاناً چه راهکار و یا راهکارهایی را می توان با توجه به نتایج به دست آمده جهت بهبود و توسعه ی مؤلفه های جامعه پذیری سیاسی دانشجویان ارائه نمود.

توضیح آن که جامعه پذیری سیاسی رسمی آن بخشی از فرایند جامعه پذیری است که توسط نهادهای رسمی نظام سیاسی و ابزارهای نهادی و غیر نهادی آن صورت می پذیرد. در حقیقت در جامعه پذیری رسمی به عنوان زیرمجموعه ی فراگرد جامعه پذیری، بر نقش حکومت و قدرت در جامعه پذیری سیاسی تاکید دارد در حالی که در جامعه پذیری غیررسمی نقش ابزارهای رسمی قدرت و حکومت مرکزی کم رنگ تر می گردد.

سوال اصلی این نوشتار عبارت است از این که میزان تحقق جامعه پذیری سیاسی رسمی در هر یک از مؤلفه های در نظر گرفته شده برای آن، یعنی آگاهی سیاسی، نگرش سیاسی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی تهران چگونه بوده و در چه حدی قرار دارد؟

نتایج پژوهش حاضر در حقیقت نشان دهنده ی خروجی جامعه پذیری سیاسی رسمی [و غیر رسمی] خواهد بود که به دلیل آن که ما در شاخص های سنجش پژوهش حاضر بر ارتباط با مولفه ی قدرت و سیاست رسمی تاکید نمودیم با این بخش ارتباط بیشتری می یابد.

۲-چارچوب نظری و بیان مفاهیم

این که چگونه نظرها و عقاید سیاسی در اذهان مردن ریشه می دواند و پا می گیرد و چه عواملی سبب حفظ و تداوم رژیم های سیاسی می شود؛ همه مسائلی است که از دوران بسیار گذشته مورد توجه متفکرین و نظریه پردازان بوده است. مسائلی چون تربیت «شهروند» و یا خوگیری به امور مدنی در آثاری چون «جمهوری» افلاطون، «سیاست» ارسطو و در نوشته های امیل زولا و ژان ژاک روسو و دیگران مورد بحث قرار گرفته و بر آن تاکید کرده اند. (مهرداد، ۱۳۷۶: ۲۱)

در حقیقت مفهوم جامعه پذیری سیاسی ریشه در این دغدغه ی اخلاق سیاسی داشته است که عقاید افراد و تعالیم خاصی که آن ها به خصوص در سنین کم تر می بینند چه تأثیری بر تغییر و تحولات سیاسی دارد. این مسائل و دغدغه های اخلاقی - سیاسی نه تنها در میان متفکرین غرب بلکه در میان متفکرین شرقی چون کنفوسیوس و هم چنین ادیان و ملل مختلف نیز وجود داشته است؛ هر چند تماماً مکتوب نگشته باشد. (خواجه سروی، ۱۳۷۸: ۲۹۲)

در حقیقت رهیافت جامعه پذیری، رهیافتی میان رشته ای محسوب می گردد که در آن جامعه شناسان، روانشناسان اجتماعی و جامعه شناسان سیاسی هر کدام از منظر خود به این مفهوم و رهیافت نگریسته اند.

به عقیده ی صداقتی فرد (۱۳۸۶) جامعه پذیری اصطلاحاً به فرآیندی اطلاق می شود که: در طی آن انسان از زمان تولد با تماس تدریجی و دائم با اشخاص، گروه ها و نماد های اجتماعی با خصوصیات فرهنگی جامعه که ارزش ها و هنجار های اجتماعی در آن مندرج شده است، آشنا می شود. این آشنایی در یک شبکه ی پیچیده ی روابط اجتماعی میان کودک، افراد، گروه ها، نهاد ها، الگو های زندگی اجتماعی را به وی می آموزند. (ص ۱۲۲)

جامعه پذیری سیاسی نیز در واقع بخشی جدایی ناپذیر از فراگرد جامعه پذیری است که محتوای آن شامل آموخته های گوناگون انسان است که در نسبت با امر سیاسی و به تدریج شکل می گیرد. «این محتوا می تواند شامل

آگاهی یعنی تمایلات و باورهای مشخص درباره‌ی سیاست باشد و امتیازهای فرا گرفته شده از طریق فعالیت سیاسی همچون وابستگی حزبی، ایدئولوژی، رأی دادن و مانند آن را نیز در بر بگیرد. از این گذشته ممکن است محتوا به سمت گیری در مقابل اقتدار مربوط باشد.» (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۳۵۹)

فرد گرینشتاین به خوبی به جامعه پذیری سیاسی از چند منظر متفاوت نگریسته است. تعریف اول او از جامعه پذیری سیاسی عبارت است از: «القای تعمدی اطلاعات، ارزش‌ها و شیوه‌های عمل سیاسی به وسیله‌ی عوامل نهادی که رسماً این مسئولیت به آن‌ها داده شده است.» و تعریف و سبب‌تر او عبارت است از: «تمام یادگیری سیاسی، رسمی و غیر رسمی، عمدی و برنامه‌ریزی شده در هر مرحله از دوره‌ی زندگی، شامل یادگیری آشکار سیاسی و هم‌یادگیری ظاهراً غیر سیاسی ویژگی‌هایی که از نظر سیاسی ذی‌ربط هستند.» (راش، ۱۳۸۸: ۱۰۲)

کشورهای مختلف، جوامع مختلف، افراد مختلف و به ویژه نظام‌های سیاسی همواره با مسئله و مفهومی به نام جامعه‌پذیری سیاسی درگیر بوده و هستند. نظام‌های سیاسی مختلف همواره سعی کرده‌اند تا در این فرآیند پیشرونده سهم به‌سزایی داشته و پایه‌های مشروعیت خود را تثبیت نمایند. این فراگرد طولانی و مادام‌العمر در سراسر زندگی فرد از دوران کودکی تا حتی دوران پیری استمرار دارد و شدت و ضعف و چگونگی آن متفاوت خواهد بود.

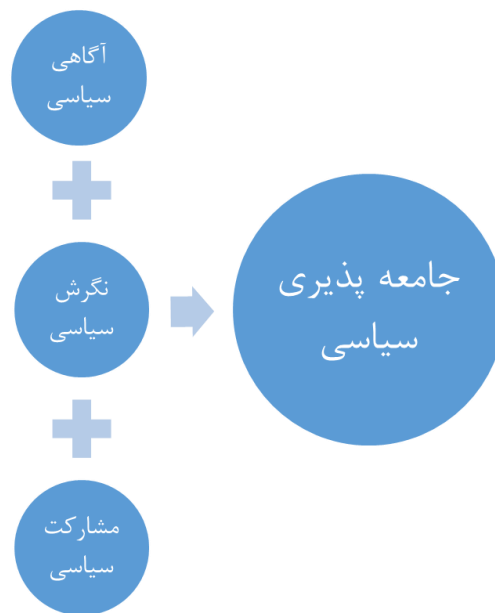
با توجه به تعاریف و مفاهیم بیان شده چارچوب نظری این پژوهش نظریه‌ی جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد که بر اساس آن انسان‌ها از سنین آغاز کودکی در طی فرآیندهایی در محیط اجتماعی (خانواده، مدرسه، گروه دوستان و ...) اصطلاحاً «جامعه‌پذیر» می‌شوند و اصول و ارزش‌های شایع در اجتماع خویش را در زمینه‌های مختلف فکری و فرهنگی کسب می‌کنند. در طی این فراگرد افکار، ایستارها و ارزش‌های سیاسی نیز به فرد منتقل می‌گردد که بخشی از آن‌ها که مربوط به ارزش‌ها و ایستارهای مورد تأکید و تأیید نظام سیاسی می‌باشد شامل «جامعه‌پذیری سیاسی رسمی» خواهد بود که نظام سیاسی در صدد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم و همچنین به یاری ابزارهایی چون نهاد مدرسه (که عموماً تحت نظارت حکومت است) ارزش‌ها و ایستارهای مورد نظر خود را به نسل‌های جوان‌تر منتقل نماید.

تعریف مورد نظر این تحقیق از جامعه‌پذیری سیاسی عبارت است از این‌که: جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی است که طی آن «معرفت، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد که زیر بنای رفتار هستند شکل می‌گیرد. شخصیت افراد و هم‌چنین تجربه‌های آن‌ها نیز که تأثیر عمیقی بر رفتار آنان دارد، تا حدود زیادی متأثر از این فرآیند است. بنابراین علت رفتار سیاسی آنان را باید در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی جست و جو کرد.» (تاج‌مزینانی، ۱۳۸۲: ۷۱)

عموم نظریه پردازان جامعه‌پذیری سیاسی بر سنین آغازین زندگی (کودکی و نوجوانی) و جوانی به عنوان کلیدی‌ترین دوران در انتقال ارزش‌ها و ایستارهای سیاسی تأکید دارند. (نیمی و سویاژک، ۱۹۷۷: ۲۰۹) چنان‌چه به عنوان نمونه برخی از پژوهش‌ها بر حدود سنی ۱۴ تا ۱۵ سالگی تأکید ویژه کرده‌اند. (نیمی و هپبورن، ۱۹۹۵: ۷) پژوهش حاضر نیز بر این دوران (جوانی) به عنوان یکی از حساس‌ترین مقاطع در جامعه‌پذیری سیاسی تأکید

نموده است و دوران دانشجویی را به عنوان زمانی که جامعه پذیری سیاسی اولیه تکمیل گشته و در حال آغاز فرآیند «بازجامعه پذیری» است انتخاب نموده است.

بر اساس نظریه ی جامعه پذیری سیاسی می توان به یک اعتبار دانش و ارزش را محتوای جامعه پذیری سیاسی دانست که منجر به شکل دهی الگوی رفتار سیاسی و نوع خاصی از مشارکت در امور سیاسی می گردد. بر همین اساس سعی کرده ایم تا جامعه پذیری سیاسی را در هر یک از سطوح یاد شده مورد سنجش قرار دهیم که در ادامه به توضیح بیشتر این امر خواهیم پرداخت.



شکل شماره ۱: مولفه های سه گانه ی جامعه پذیری سیاسی

۳-روش پژوهش

۳-۱- نوع پژوهش

با وجود آن که در علوم سیاسی پاسخ به برخی پرسش ها در برخی از رویکردها مانند رویکرد هنجاری نیازی به داده های کمی ندارد؛ اما پاسخ به برخی پرسش ها لاجرم نیازمند جمع آوری داده های کمی است. (منوچهری، ۱۳۹۲: ۲۱۵) با نگاهی به هدف این پایان نامه که توصیف متغیر جامعه پذیری سیاسی دانشجویان و ابعاد آن بر مبنای داده های حاصله از پرسشنامه است در می یابیم که پژوهش حاضر از نوع کمی محسوب می گردد.

در یک سنخ شناسی دقیق تر، تحقیق حاضر را می توان «پیمایش» نامید. «پیمایش یکی از مهم ترین روش های تحقیق بنیادی (برای نظریه آزمایی) در علوم اجتماعی و ابزار مهمی برای مقاصد کاربردی (توصیف و سنجش دقیق) در بخش عمومی و خصوصی است؛ پیمایش های اجتماعی معمولاً برای گرد آوری داده ها از افراد درباره ی خود افراد، خانواده آن ها یا سایر واحد های اجتماعی بزرگ تر اجرا می شود.» (نایی، ۱۳۸۵: ۱۰۴) به عبارتی «تحقیق پیمایشی، روشی است برای گرد آوری داده ها که در آن از گروه های معینی از افراد خواسته می شود به

تعدادی پرسش‌های مشخص جواب دهند.» (دیزجی، ۱۳۸۸: ۹۸) همان‌طور که از نام این روش بر می‌آید، این روش نوعی پیمودن است که در عرف علمی دارای پنج مرحله شامل: ۱- کلیات پژوهش ۲- تدارک نظریه‌ی پژوهش ۳- روش شناسی ۴- بررسی یافته‌ها و ۵- جمع‌بندی می‌باشد. (نقیب‌الاسادات و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۲) که تمام این مراحل پنجگانه توسط مقاله‌ی حاضر رعایت شده است.

۳-۲- جامعه‌ی آماری

با توجه به این که «جامعه‌ی آماری خصوصیات جامعه‌ای را بیان می‌کند که قرار است اطلاعات مورد نیاز پژوهش درباره‌ی او از طریق آن گردآوری شود.» (علوم، ۱۳۸۹: ۴۰)، جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل تمام دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی اعم از دختر و پسر در تمام مقاطع مختلف تحصیلی می‌گردد. طبق استعلام از روابط عمومی دانشگاه آمار رسمی دانشجویان دانشگاه همان آماری است که بر روی سایت دانشگاه قرار گرفته است که برابر است با ۱۵/۰۰۰ نفر. اما آمار غیر رسمی حکایت از این دارد که این تعداد چیزی حدود ۱۷/۰۰۰ تا ۱۸/۰۰۰ نفر می‌باشد؛ به همین جهت پژوهشگر جهت اطمینان بیشتر بهتر است بیشترین احتمال ممکن را مبنا قرار دهد. ما تعداد ۲۰/۰۰۰ نفر را مبنا قرار داده و بر اساس آن به نمونه‌گیری پرداخته ایم.

۳-۳- روش نمونه‌گیری

در یک تعریف منظور از نمونه را گروهی از افراد و یا تعداد مشخصی از چیزها، منتخب از یک جامعه‌ی آماری بزرگ تر می‌دانند که این «تعداد کم» بر اساس ضابطه‌ی خاصی انتخاب شده باشند و نتایج حاصل از بررسی این گروه منتخب و کم قابل تعمیم به کل جامعه‌ی آماری مورد نظر می‌باشد. (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۳۷۰)

این تعریف از نمونه البته بیشتر یا تماماً یک تعریف علمی از نمونه یا بهتر بگوییم شامل نمونه‌هایی است که کاملاً بر اساس ضوابط علمی و آماری تعیین شده باشند.

منطق نمونه برداری در علوم اجتماعی شامل فرایندهای آماری ساده و یا حتی پیچیده‌ای است که سعی دارد «معرف» بودن نمونه نسبت به جامعه‌ی آماری تحقیق را هرچه بیشتر تضمین نماید.

«بسته به نوع جامعه‌ی آماری می‌توان از روش‌های مختلفی برای نمونه‌گیری استفاده نمود. به طور کلی دو نوع طرح نمونه‌گیری وجود دارد: نمونه‌گیری تصادفی و غیر تصادفی.» (مفهوم جامع نمونه و روش‌های نمونه‌گیری، ۱۳۹۲)

با توجه به محدودیت زمان و تعداد بالای جامعه‌ی آماری و یک سری عوامل دیگر، در این تحقیق روش نمونه‌گیری غیر تصادفی ساده یا همان «نمونه‌گیری در دسترس» (داوطلبانه) استفاده شده است؛ نمونه‌گیری غیر احتمالی یا غیر تصادفی انواع مختلفی دارد که عبارت‌اند از:

۱) نمونه‌گیری قضاوتی (۲) نمونه‌گیری در دسترس (۳) نمونه‌گیری سهمیه‌ای (کاشانی، ۱۳۹۲)

به دلیل ضعف روش نمونه‌گیری در دسترس در موضوع معرف بودن برای کل جامعه‌ی آماری، تشخیص محقق این بود که از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای نیز به صورت تکمیلی در حین انجام کار نمونه‌گیری استفاده شود. منظور از «نمونه‌گیری سهمیه‌ای»، شکلی از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب است که در آن، نسبت از قبل تعیین

شده‌ی افراد از گروه‌های مختلف نمونه‌گیری می‌شوند اما این بار بر مبنای نوعی نمونه‌گیری ساده یا در دسترس صورت می‌گیرد.» (مفهوم جامع نمونه و روش‌های نمونه‌گیری، ۱۳۹۲) از آنجایی که حضور متناسب رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاه و همچنین حضور متناسب شرکت‌کنندگان مرد و زن در پرسشنامه‌ها برای پژوهشگر دارای اهمیت بود؛ بر اساس روش نمونه‌گیری سعی شد تا پرسشنامه‌ها به نسبت خاص میان جمعیت دانشجویان خوابگاهی پسر و دختر دانشگاه علامه طباطبائی (خوابگاه‌های روزانه) توزیع و تعدادی نیز در سایر اماکن دانشگاه به صورت تصادفی میان دانشجویان توزیع شد. (که به جز یکی از خوابگاه‌های خانم‌ها که تا حدی این سهمیه بندی را دچار آسیب نمود، در سایر خوابگاه‌ها تا حد زیادی همکاری صورت گرفت و پخش پرسشنامه‌ها و سهمیه و جنبه‌ی مورد نظر با موفقیت بالایی بود)

سعی شد این پرسشنامه‌ها در تمام خوابگاه‌های روزانه‌ی پسران و تمام خوابگاه‌های روزانه‌ی دختران با توجه به جمعیت خوابگاه توزیع و جمع‌آوری شود.

با در نظر گرفتن جامعه‌ی آماری ۲۰۰۰۰ نفری این تحقیق (همان‌طور که در بخش جامعه‌ی آماری نیز توضیح دادیم، ما بیشترین احتمال تعداد دانشجویان را مبنای قرار می‌دهیم) ما از روش نمونه‌گیری بر اساس فرمول معروف کوکران جهت نمونه‌گیری استفاده نمودیم.

فرمول کوکران با توجه به ضریب خطا و حجم جامعه‌ی آماری مختلف نتایج متفاوتی را به دست می‌دهد. با پیش فرض‌های خاصی که در ادامه توضیح داده می‌شود برای مقدار پیشنهادی نمونه حاصل از فرمول کوکران ۳۱۳ نفر می‌شود. (کاشانی، ۱۳۹۲) و همچنین: (میرزایی، ۱۳۹۱: ۱۳۲)

فرمول کوکران:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

با در نظر گرفتن این پیش فرض‌ها:

$$N=20.000$$

$$d=0.055 \quad (\text{مقدار خطا})$$

$$p=q=0.5$$

$$\text{ضریب اطمینان}=95\%$$

در پژوهش حاضر حدود ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع گردید که از این تعداد ۳۱۳ پرسشنامه قابل بررسی تشخیص داده شدند.

۳-۴- روش جمع‌آوری داده‌ها

از آنجایی که «در انجام فرآیند تحقیق، جمع‌آوری و به دست آوردن اطلاعات بسیار مهم است. مهم‌ترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات عبارت‌اند از: استفاده از اطلاعات و مستندات موجود، مشاهده، مصاحبه و پرسش

نامه. (میرزایی، ۱۳۹۱: ۱۲۸)، در تحقیق حاضر به غیر از روش متن کاوی و استفاده از مستندات موجود که در بخش مفاهیم و نظریات تحقیق صورت گرفته است؛ ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات «پرسش نامه» بوده است. رفیع پور (۱۳۸۲) در کتاب خود در مورد «نقش پرسشنامه در فرایند حصول شناخت»، آن را عبارت می‌داند از «طرح سؤالاتی که به وسیله آن‌ها معرف‌هایی سنجیده شده، تا سپس به وسیله این معرف‌ها، واژه‌های موجود در گفتارهای یک تئوری و بدین ترتیب خود آن تئوری به صورت تجربی بررسی شوند.» (ص ۳۰۴)

پرسش نامه‌ی این پایان‌نامه که در ادامه به صورت جزئی‌تر در مورد متغیرها و معرف‌های موجود در آن سخن خواهیم گفت، شامل ۵۴ سؤال بسته و چند سؤال باز در پایان آن می‌باشد. (در مورد درآمد، تحصیلات، و ... خود و خانواده پرسش شونده) که بر اساس مشهور «لیکرت» طراحی گشته است. «این طیف برای بسیاری از تحقیقات میدانی وسیع، در علوم اجتماعی و خصوصاً در جامعه‌شناسی، مناسب و قابل استفاده است و می‌توان به وسیله‌ی آن انواع (گرایش‌های سیاسی، مذهبی، نژادی، شغلی و ...) را سنجید.» (نواح و تقوی نسب، ۱۳۸۶: ۱۵۳)

۳-۵- اعتبار پژوهش

پرسشنامه‌ی پژوهش، قبل از توزیع به ملاحظه‌ی تعدادی از کارشناسان از جمله دو جامعه‌شناس سیاسی و یک روان‌شناس از اعضای هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی رسید؛ به همین جهت این پرسشنامه دارای روایی صوری می‌باشد.

پرسشنامه‌ی اولیه‌ای که پرسشنامه‌ی نهایی از آن اقتباس گردید، پرسشنامه‌ی پژوهش پایان‌نامه‌ی جناب آقای ابوطالب گل‌وردی در سال ۱۳۸۳ با عنوان: «سنجش میزان تحقق جامعه‌پذیری سیاسی رسمی در نسل جدید انقلاب (مورد: دانش‌آموزان سوم دبیرستان شهرستان اصفهان)» بوده است که در پژوهشکده‌ی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی از آن دفاع شده است و جا دارد از زحمات ایشان تقدیر گردد.

البته تغییرات بسیار زیادی متناسب با موضوع تحقیق یعنی جامعه‌پذیری سیاسی رسمی دانشجویان در آن صورت گرفت و از متخصصان گوناگونی در حوزه‌های تاریخ، حقوق و روانشناسی نیز جهت بررسی و اصلاح سوالات گوناگون پرسشنامه نظرخواهی صورت گرفت تا در نهایت بعد از چندین دور مطالعه و اصلاح پرسشنامه پژوهش تایید نهایی گردید.

۳-۶- متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش در نهایت باید به سنجش میزان «جامعه‌پذیری سیاسی رسمی دانشجویان» به عنوان متغیر اصلی پژوهش حاضر پردازند. لذا ابتدا یک تعریف علمی از مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی و بالتبع جامعه‌پذیری سیاسی رسمی ارائه گردیده و بر مبنای این تعریف، شاخص‌هائی مشخص و برای هر شاخص گویه‌ها و سؤالاتی به تناسب جامعه‌ی آماری مورد نظر ما، یعنی جامعه‌ی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران تعریف گردید. در بخش حاضر ما ابتدا به ارائه‌ی تعریفی از جامعه‌پذیری سیاسی رسمی پرداخته، سپس آن را به چند شاخص اصلی و کلی شکسته و بعد در چند قسمت مجزا به توضیح هر یک از این شاخص‌ها و گویه‌ها و سوالات مربوط به آن‌ها پرداخته ایم تا خواننده‌ی این بخش نسبت به ساختار و محتوای بخش پرسشنامه‌ی پژوهش آگاه تر گردد.

جامعه‌پذیری سیاسی رسمی

مایکل راش (۱۳۸۸) در کتاب جامعه و سیاست تعریفی از جامعه پذیری سیاسی [رسمی] را به نقل از «فرد گرینشتاین» ذکر نموده است:

جامعه پذیری سیاسی [رسمی] یعنی «القای تعمدی اطلاعات، ارزش ها و شیوه های عمل سیاسی و به وسیله ی عوامل نهادی ای که رسماً این مسئولیت به آن ها داده شده است.» (ص ۱۰۲) این به این معناست که نظام سیاسی می کوشد تا در طی فراگرد جامعه پذیری سیاسی یکسری اطلاعات و آگاهی های سیاسی، ارزش ها و شیوه های رفتار و کنش سیاسی را به وسیله ی نهاد هایی که می تواند آن ها را کنترل نموده و یا بر آن ها تأثیرگذار باشد به نسل های بعد و یا حتی نسل حاضر منتقل نماید.

تعبیر چیلکوت از محتوای جامعه پذیری سیاسی به عنوان امری حاوی آگاهی ها و ایستار ها و سمت گیری های خاص (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۳۵۹) نیز در همین راستا می باشد.

پایان نامه ی حاضر نیز در صدد است تا جامعه پذیری سیاسی رسمی را از طریق سنجش میزان مؤلفه های: ۱- آگاهی سیاسی ۲- نگرش سیاسی و ۳- مشارکت سیاسی (با تأکید بر جنبه های رسمی آن ها) مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

۳-۶-۱- آگاهی سیاسی

آگاهی سیاسی را می توان «میزان برخورداری فرد از اطلاعات و داده های مرتبط با پدیده های سیاسی و جهان سیاست» دانست. در این قسمت منظور ما از آگاهی سیاسی با توجه به هدف تحقیق، میزان دانش و اطلاعات فرد در زمینه ی مسائل و اصول و تحولات سیاسی مرتبط با نظام سیاسی است. به عبارت بهتر می خواهیم بدانیم که نظام سیاسی تا چه حد توانسته است آگاهی سیاسی مطلوب و ضروری خود را در فرآیند جامعه پذیری سیاسی به دانشجویان مورد مطالعه منتقل نماید؛ این دانشجویان تا چه حد با گذشته، اصول و مبانی و قوانین و نهاد های نظام سیاسی آشنایی دارند و آشنایی اجمالی آن ها با کلیاتی از چارچوب نظام سیاسی خود چگونه است.

در این رهگذر ما آگاهی سیاسی رسمی را به چهار مؤلفه ی زیر سرشکن کردیم و سپس برای هر کدام سؤالات و گویه های مناسبی را تعریف نموده ایم. مؤلفه های اصلی عبارت اند از:

۱- شناخت اصول و ارزش های بنیادین نظام سیاسی (جمهوری اسلامی ایران)

۲- شناخت وقایع تاریخ سیاسی (بعد از انقلاب اسلامی)

۳- شناخت جناح ها و گروه های سیاسی برجسته ی داخلی

۴- شناخت نهاد های سیاسی - قانونی اصلی نظام سیاسی،

می باشد.

۳-۶-۲- نگرش سیاسی

نگرش سیاسی را می توان بر اساس یک جمع بندی از تعاریف مختلف به عنوان «احساس مثبت یا منفی نسبت به امور و پدیده های سیاسی» تعریف نموده و آن را با کمک دو مؤلفه ی اصلی اعتماد سیاسی و احساس تعلق سیاسی مورد سنجش قرار داد. (گل وردی، ۱۳۸۳: ۱۱۱)

«تعاریف متعدد از این مفهوم ارائه گردیده است که همگی دارای فصل مشترکی هستند و به این نکته اشاره دارند که نگرش یک حالت درونی است که آمادگی برای عمل ایجاد می کند. در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت

نگرش یک مفهوم چند بعدی شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است که نحوه رفتار افراد را تعیین می‌کند و هر نگرشی دارای موضوع خاص است که این موضوع می‌تواند افراد، اشیاء، رویدادها و حق خود فرد باشد.» (میرزایی، ۱۳۹۱: ۲۲)

در پژوهش حاضر نگرش سیاسی از طریق سنجش دو مؤلفه اصلی: ۱- اعتماد سیاسی (به نهاد های اصلی نظام که بیشتر در معرض قضاوت مردم قرار دارند.) و ۲- احساس تعلق سیاسی (احساسات و تعلقات فرد نسبت به اصول و ارزش های اصلی نظام سیاسی) سنجیده شده است.

۳-۶-۳- مشارکت سیاسی

یکی از تعاریفی که به نظر پژوهشگر می‌تواند در مورد «مشارکت سیاسی» مناسب باشد، تعریف چیکوت (۱۹۸۱) است. او به صورتی ساده و کوتاه بیان می‌دارد که «مشارکت سیاسی فرآیندی است در پاسخ به اینکه چگونه و چرا مردم درگیر سیاست می‌شوند.» (فیروزجائیان، ۱۳۸۷: ۸۶) این تعریف وسیع از مشارکت سیاسی را می‌توان این گونه تعبیر نمود که مشارکت سیاسی نه تنها به معنای مصطلح آن به معنای شرکت در فعالیت های انتخاباتی و بلکه هرگونه تعامل و کنش و واکنش و درگیری مردم در جهان سیاست پیرامون آن هاست. طبیعتاً در این قسمت آن بخش از این کنش و واکنش سیاسی مدنظر ما بوده است که با عرصه ی جامعه پذیری سیاسی رسمی و نظام سیاسی به صورت مستقیم و حتی غیر مستقیم در ارتباط و تعامل باشد. در حالی که شرکت در انتخابات یک تعامل و مشارکت مستقیم با نظام سیاسی محسوب می‌گردد؛ درج یادداشت و مقاله در صفحات مجازی و فضای اینترنت در مورد مسائل روز و سیاسی کشور نیز به صورت هرچند غیر مستقیم در تعامل با نظام سیاسی و عرصه ی رسمی می‌باشد.

غرض ما در این بخش این بوده است که ببینیم دانشجویان تا چه میزان به مشارکت در امور سیاسی کشور و نظام خود اهمیت داده و نسبت به تحولات اطراف و اخبار سیاسی حساس هستند و به طور خاص تا چه حد با نهادها، گروه ها و کانال های مورد نظر و حمایت نظام در تعامل هستند و در فعالیت آن ها مشارکت دارند. هفت شاخصه که برای بخش مشارکت سیاسی در نظر گرفته شده اند و مشارکت سیاسی به آن ها شکسته می‌شود به صورت خلاصه عبارت اند از:

۱_ همکاری با تشکل ها ۲_ شرکت در انتخابات ۳_ پی گیری اخبار سیاسی ۴_ شرکت در گفت و گو های سیاسی ۵_ شرکت در سخنرانی های سیاسی ۶_ شرکت در راهپیمایی ها ۷_ تماس با متصدیان سیاست طبیعتاً در طرح سؤال برای شاخص هایی که ذکر شد تأکید بر بخش رسمی جامعه پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی بوده است.

۴- یافته های پژوهش

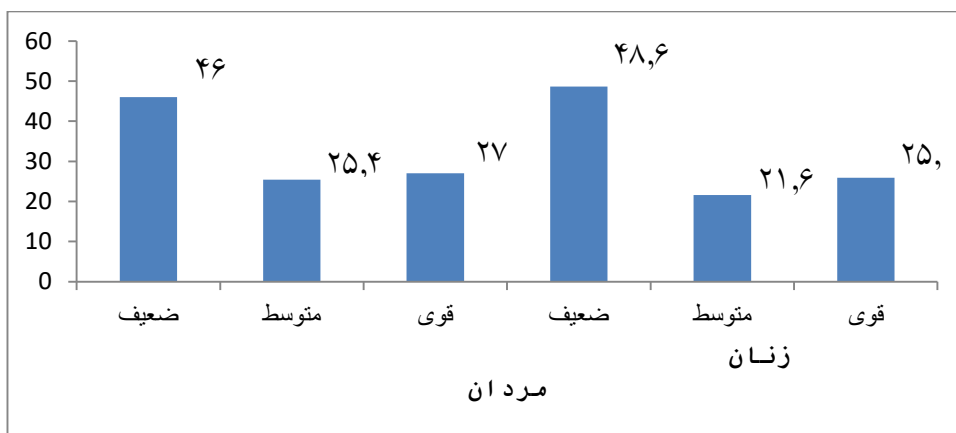
تحقیق پیش رو بر مبنای دغدغه ای شکل گرفت و آن دغدغه این بود که وضعیت جامعه پذیری سیاسی دانشجویان چگونه است و در چه سطحی قرار دارد؟ مفهوم جامعه پذیری سیاسی جهت مورد پرسش دقیق قرار گرفتن به «جامعه پذیری سیاسی رسمی» محدود گردید. همان طور که قبلاً بیان گردید، جامعه پذیری سیاسی

رسمی آن بخشی از فرایند جامعه پذیری است که توسط نهادهای رسمی نظام سیاسی و ابزارهای نهادی و غیر نهادی آن صورت می پذیرد.

ما در این مقاله به این مسئله پرداختیم که وضعیت دانش، ارزش و رفتار دانشجویان در حوزه ی سیاست مرتبط با ارزش ها و نهادها و ... نظام سیاسی چگونه است. آیا در سطح بالایی از آگاهی نسبت به اصول و ارزش های نظام سیاسی قرار دارند؟ آیا نگرش همسویی نسبت به ایستارهای مورد تأکید نظام سیاسی از خود نشان می دهند؟ و این که در نهایت با توجه به این آگاهی و نگرش چگونه در سیاست رسمی و روندهای آن مشارکت می کنند و تا چه حد رفتار سیاسی هم سو با رفتار و مشارکت مطلوب و مورد نظر نظام سیاسی از خود نشان می دهند؟

این مسئله حتماً روشن خواهد بود که این سه سطح و سه مؤلفه در واقع آن قدر به یکدیگر گره خورده و پیچیده اند که جدا نمودن آن ها از هم بیشتر اعتباری می نماید اما به نظر لازم می رسید. یافته های پژوهش و آزمون همبستگی به خوبی رابطه ی میان این سه مؤلفه و گویه های آن ها را زمانی که همبستگی میان آن ها را نشان داد، اثبات نیز نمود.

آگاهی سیاسی اولین مؤلفه ای بود که به آن پرداختیم. نتایج به ما نشان داد که حدود ۵۰ درصد از پسران و دختران دانشجوی دارای آگاهی سیاسی ضعیف، ۲۰ تا ۲۵ درصد دارای آگاهی سیاسی متوسط و ۲۵ تا ۳۰ درصد از آنان دارای آگاهی سیاسی قوی هستند. میان آگاهی سیاسی زنان و مردان اختلاف چشمگیری وجود ندارد و شباهت زیادی میان این دو وجود دارد چنان که ۲۷ درصد مردان قوی و ۲۵,۹ درصد زنان نیز قوی، ۲۵,۴ درصد مردان متوسط و ۲۱,۶ درصد زنان متوسط و ۴۶ درصد مردان ضعیف و ۴۸,۶ درصد زنان از نظر آگاهی سیاسی ضعیف بوده اند.

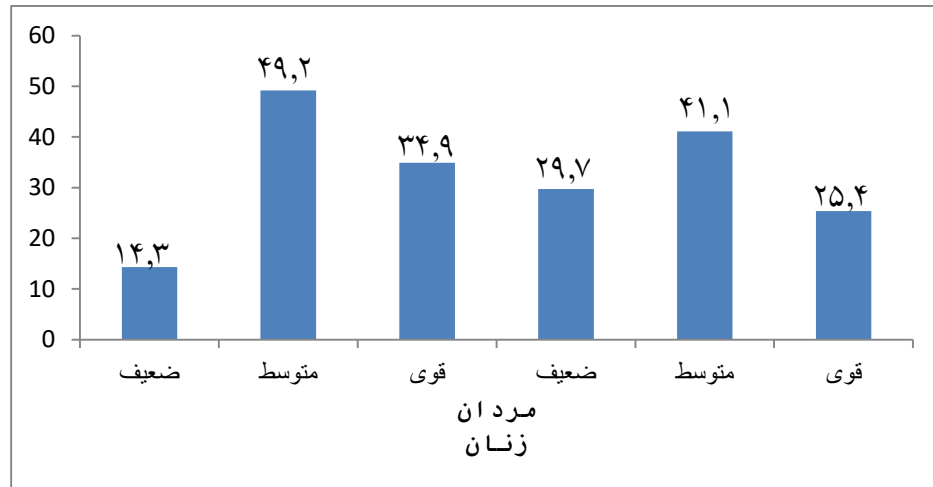


نمودار شماره ۱- توزیع فراوانی مؤلفه ی آگاهی سیاسی به تفکیک جنسیت

اما نتایج در زمینه ی نگرش سیاسی متفاوت به نظر می رسد؛ چنان که در زمینه ی نگرش سیاسی استنباط آماری نشان می دهد که تفاوت معناداری میان مردان و زنان در زمینه ی سطح نگرش سیاسی (گرایش مثبت به ارزش های اساسی نظام و اعتماد به نهادهای اصلی نظام) وجود دارد. ۲۵,۴ درصد مردان دارای نگرش سیاسی قوی، ۴۱,۱ درصد دارای نگرش سیاسی متوسط و حدود ۲۹,۷ درصد دارای نگرش ضعیف سیاسی بوده اند؛ این در

حالی است که در زنان آمار به ما نشان می دهد که ۳۴,۹ درصد از آن ها دارای نگرش سیاسی قوی، ۴۹,۲ درصد دارای نگرش سیاسی متوسط و تنها ۱۴,۳ درصد دارای نگرش سیاسی ضعیف می باشند.

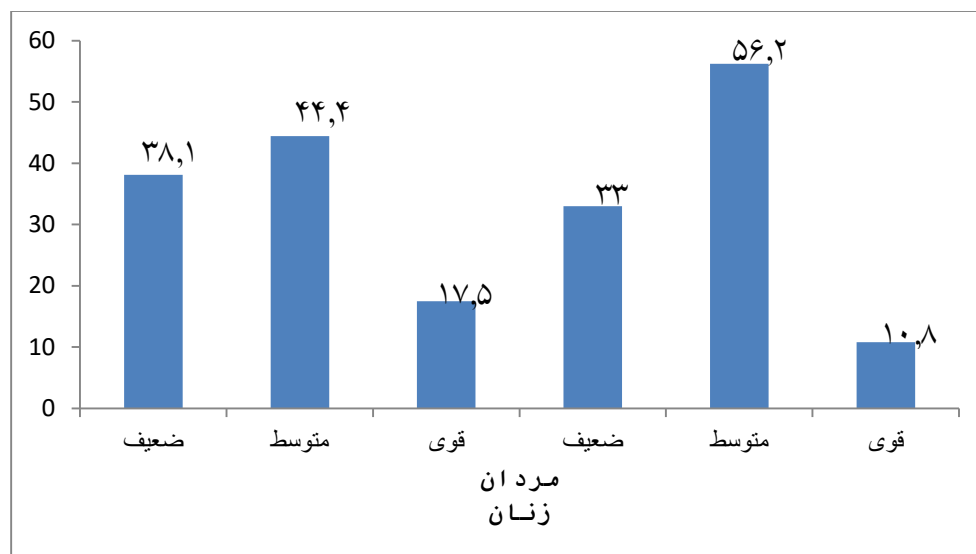
به طور میانگین می تواند بیان کرد که در مجموع حدود یک سوم از دانشجویان دارای نگرش سیاسی قوی، نزدیک به نیمی از آن ها دارای نگرش سیاسی میانه و متوسط و ما بقی نیز دارای نگرش سیاسی ضعیف می باشند.



نمودار شماره ۲- توزیع فراوانی مؤلفه ی نگرش سیاسی به تفکیک جنسیت

اما در مشارکت سیاسی نیز مانند نگرش سیاسی، گروه میانه یا تا حدی خنثی بر دو گروه دیگر غلبه دارد با این تفاوت که اگر در نگرش سیاسی سنگینی قسمت نگرش سیاسی قوی بیشتر از ضعیف بود؛ در مشارکت سیاسی این موضوع حالت عکس دارد و این بدین معناست که قسمت مشارکت سیاسی ضعیف بر قسمت قوی سنگینی می کند.

حدود ۱۵ درصد از دانشجویان دارای مشارکت سیاسی قوی (۱۷,۵ درصد از زنان و ۱۰,۸ درصد از مردان)، حدود ۵۰ درصد از دانشجویان دارای مشارکت سیاسی متوسط (۵۶,۲ درصد مردان و ۴۴,۴ درصد زنان) و حدود ۳۵ درصد از دانشجویان دارای مشارکت سیاسی ضعیف (۳۳ درصد مردان و ۳۸,۱ درصد زنان) ارزیابی شده اند.



نمودار شماره ۳- توزیع فراوانی مؤلفه‌ی مشارکت سیاسی به تفکیک جنسیت
 آن طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ضعیف‌ترین مؤلفه در مجموع، مشارکت سیاسی و قوی‌ترین مؤلفه
 نگرش سیاسی بوده است.

اکنون شایسته است که با توجه به این یافته ها تحلیل خود را نیز نسبت به وضعیت این سه مؤلفه بیان نماییم. آن چه به نظر می رسد این است که دانشجویان نسبت به ایستارها و ارزش های اساسی جمهوری اسلامی ایران بی علاقه نیستند اما آگاهی آن ها از این ارزش ها و به طور کل نسبت به مسائل و تاریخ و وقایع تاریخ انقلاب اسلامی ایران به نسبت این علاقه بسیار کم تر بوده و در مرحله ی رفتار سیاسی منجر به نوعی بی تفاوتی و تردید نسبت به مشارکت در فعالیت های سیاسی شده است.

به نظر می رسد تاریخ معاصر انقلاب اسلامی ایران و کم و کیف برخی ارزش های آن هنوز در چشم دانشجویان در هاله ای از ابهام و تردید قرار دارد، در حالی که آن ها نسبت به یکسری اصول بنیادین و فرهنگی خود که بیشتر جنبه ی عاطفی و هویتی برای آن ها دارد سرسختی بسیار بیشتری نشان می دهند. آن ها می توانند آمریکا را دشمن خود نیر ندانند اما نمی توانند به هیچ وجه ایثار و از خود گذشتگی شهدای دفاع مقدس و خانواده های آنان را از یاد ببرند. این تناقض نما و تردید قطعاً در بی میلی و تردید بسیاری از آنان در مشارکت در فعالیت های علمی سیاسی بی تأثیر نبوده است. نکته ی قابل توجه و جالب این جا است که براساس آزمون آماری ای که در مورد همبستگی مؤلفه های سه گانه ی مذکور صورت گرفت، میان مقدار این سه شاخص همبستگی معناداری وجود دارد به طوری که با افزایش آگاهی سیاسی و نگرش سیاسی، مشارکت سیاسی نیز افزایش داشته و با کاهش مشارکت سیاسی آن دو مؤلفه هم دچار کاهش شده اند و این پیوستگی این سه شاخص را در میدان عمل تا حد زیادی به اثبات می رساند.

نکته ی قابل توجه دیگری نیز که بد نیست قبل از ارائه ی پیشنهاد در این جا مورد اشاره قرار بگیرد این است که تفاوت معناداری میان سطح تحصیلات پاسخ دهندگان و آگاهی و مشارکت و نگرش سیاسی آنان در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد وجود داشته است به طوری که نمره ی آگاهی سیاسی برای کارشناسی ها در حالی که ۱۴۴،۰۲ می باشد که همین نمره با افزایش چشمگیری برای ارشد ها ۱۵۵،۶۵ می باشد. همچنین در حالی که نمره ی مشارکت سیاسی برای کارشناسی ها ۱۳۸،۹۹ می باشد که همین نمره برای ارشد ها با تفاوت بسیار قابل توجهی ۱۶۶،۴۸ می باشد. همچنین در حالی که نمره ی نگرش سیاسی برای دانشجویان کارشناسی ۷۹،۹۳ می باشد که همین مقدار برای دانشجویان ارشد ۸۹،۵۴ می باشد. البته این رابطه برای تعداد اندک دانشجویان دکتری شرکت کننده در پیمایش حاضر صدق نمی کند که شاید بتوان استنباط کرد که تعداد کم دانشجویان دکتری معرف بودن آنان را زیر سؤال برده است.

می توان با توجه به تمام این توضیحات جامعه پذیری سیاسی دانشجویان را در حد متوسط در نظر گرفت اما این موضوع برای نظام سیاسی از جهتی حکم یک هشدار را دارد. زیرا جریان اطلاعات و دانش سیاسی در حال حاضر چنان متکثر و پیچیده گشته است که نمی توان به سادگی از تبعات ضعف نظام سیاسی در انتقال آگاهی و جریان اطلاعات مطلوب خود شانه خالی نمود. در شرایطی که دانشجویان نسبت به بعضی ارزش های سیاسی تر و مناقشه برانگیزتر با سردی و به خصوص تردید مواجه می شوند (چنان که در آمارها نیز تعداد دانشجویان دارای

مواضع خنثی بسیار زیاد بود) و آگاهی سیاسی آنان نیز در سطح خیلی بالایی قرار ندارد و در عین حال قسمت مهمی از آگاهی سیاسی خود را از جریان های اطلاعاتی غیر هم سو با نظام سیاسی کسب می کنند نتیجه آن می گردد که ما در بخش مشارکت سیاسی و رفتار سیاسی نیز واکنش های همراه با تردید و دو دلی از دانشجویان مشاهده می نماییم.

با توجه به نتایج مذکور و همچنین با تأکید بر نقش نهاد دانشگاه راهکارهای زیرپیشنهاد می شود:

۱. تقویت تشکل ها و مجموعه های فرهنگی و سیاسی دانشجویی در چارچوب قوانین و برنامه ریزی بیشتر مادی و معنوی برای حمایت از آن ها. (این تشکل ها با نظارت و حمایت صحیح مسئولان مربوطه می توانند واسطی مناسب و مردم نهاد برای انتقال ارزش ها و آموزش صحیح مشارکت سیاسی به دانشجویان باشند).

۲. مشارکت دادن عامه دانشجویان بالاخص دانشجویان نخبه در طرح های اجرایی و علمی دانشگاه و تقدیر و حمایت از دانشجویان موفق در بخش های مختلف

۳. برنامه ریزی منسجم در راستای تقویت آگاهی سیاسی دانشجویان به ویژه در زمینه ی مسائلی چون: الف- شناخت ابعاد فرهنگی، سیاسی و حتی علمی دشمنان خارجی انقلاب اسلامی ایران به ویژه ایالات متحده و کسب آگاهی دقیق نسبت به آن ها و سابقه ی رفتار آن ها با تمدن ایرانی و اسلامی به خصوص در دوره ی انقلاب اسلامی ایران ب- معرفی و شناخت عینی و مستند پیامدهای منفی سبک زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی سکولار با تأکید بر جهان غرب و ارائه ی شاخص های تفکر مردم سالار دینی با ارائه ی نمونه های موفق مردمی و دولتی بعد از انقلاب اسلامی ج- برگزاری مجامع فرهنگی و هنری و علمی برای معرفی عینی شخصیت های موفق علمی، فرهنگی و اقتصادی انقلاب اسلامی

۴. توجه بیشتر دانشگاه ها به نخبگان علمی دانشگاهی و حوزوی و دعوت از آن ها در موضوعات علمی، فرهنگی و سیاسی مختلف برای حضور به اشکال مختلف در میان دانشجویان در راستای تقویت آگاهی و نگرش سیاسی دانشجویان.

۵. توجه ویژه و عملیاتی به کارآفرینی در محیط دانشگاه و در میان دانشجویان.

۶. تأکید بیشتر نهاد دانشگاه بر شفافیت و پاسخگویی در مقابل دانشجویان و تلاش برای ایجاد یک تجربه ی موفق در دانشجویان نسبت به پاسخگویی نهاد اداری دانشگاه در برابر مطالبات صنفی و دانشجویی.

در نهایت باید بیان نمود که، آن چه در نتایج این پژوهش مشهود بود وجود بدنه ی عظیم قشر خنثی و یا به اصطلاح خاکستری نسبت به نظام سیاسی در میان دانشجویان است. این قشر خاکستری در فرآیند جامعه پذیری سیاسی خود، چنان چه با تجربه های سیاسی و دانشجویی منفی (مانند ناعدالتی علمی، افکار مسموم، بسته بودن جریان سالم ابراز نظرات و ...) مواجه گردد ممکن است که دچار تحول به سمت غیر هم سو با تبلیغات رسمی نظام سیاسی گردد. برنامه ریزی صحیح و تعریف ساز و کارهای انعطاف پذیر فرهنگی و هنری در دانشگاه ها (که در خلال آن ارزش ها و دانش سیاسی نیز منتقل گردد)، شفافیت و پاسخگویی نهاد دانشگاه و همچنین توجه به

نیازهای مادی دانشجویان از طریق فعالیت های مولد، شاید بهترین مسیر ممکن برای اصلاح و تقویت جامعه پذیری سیاسی در دانشگاه ها باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (طبق آخرین تغییرات)، چاپ معاونت حقوقی ریاست جمهوری

فارسی

اختر شهر، علی (۱۳۸۶). *مؤلفه های جامعه پذیری سیاسی در حکومت دینی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

تاج مزینانی، علی اکبر (۱۳۸۲). «جامعه پذیری سیاسی جوانان»، *مطالعات جوانان*، شماره ۳ و ۴

چیلکوت، رونالد (۱۳۷۸). *نظریه های سیاست مقایسه ای*، ترجمه ی وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا

خواجه سروی، غلام رضا (۱۳۷۸). «جامعه پذیری سیاسی نسل جوان و ثبات سیاسی در ایران»، *مطالعات راهبردی*، شماره ی ۵ و ۶

راش، مایکل (۱۳۸۸). *جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه ی منوچهر صبوری، تهران: سمت

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲). *کند و کاو ها و پنداشته ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار

دیزجی، امیرحسین خان (۱۳۸۸). «مقایسه ی روش های مشاهده ی مشارکتی و پیمایشی با استفاده از نظریه ی نمایشی اروینگ گافمن»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*؛ دوره ی جدید، شماره ی ۱۴

صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۸۶). *جامعه شناسی (کلیات، مفاهیم، پیشینه)*، تهران: ارسباران

علمی، اسماء (۱۳۸۹). «پیمایش در تحقیقات اجتماعی»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، دوره ی جدید، شماره ۲۵

کاشانی (۱۳۹۲). *روشهای نمونه گیری غیر احتمالی یا غیرتصادفی*، قابل دسترسی در:

amardanan.ir/2013/06/25/

گل وردی، ابوطالب (۱۳۸۳). «سنجش میزان تحقق جامعه پذیری سیاسی رسمی در نسل جدید انقلاب (مورد: دانش آموزان سوم دبیرستان شهرستان اصفهان)»، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی مفهوم جامع نمونه و روشهای نمونه گیری، قابل دسترسی در:

www.iranresearches.ir

مهرداد، هرمز (۱۳۷۶). *زمینه های جامعه شناسی سیاسی: جامعه پذیری سیاسی*، تهران

منوچهری، عباس (۱۳۹۲). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت

- میرزایی، حسین (۱۳۹۱). «سنجش نگرش دانشجویان علوم سیاسی نسبت به سیاست خارجی دولت های نهم و دهم (احمدی نژاد) درباره ی اسرائیل»، دانشگاه علامه طباطبائی
- نایی، هوشنگ (۱۳۸۵). «منطق نمونه گیری احتمالی در پیمایش های اجتماعی»، *دین و ارتباطات*، شماره ی ۳۰
- نقیب السادات (و دیگران) (۱۳۸۹). «روش تحقیق پیمایشی»، *راهبرد بومی*، شماره ی ۱۰۷
- نواح، عبدالرضا (و سید مجتبی تقوی نسب) (۱۳۸۶). «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی (مطالعه ی موردی: اعراب خوزستان)»، *جامعه شناسی ایران*، شماره ی ۳۰

Niemi, Richard G., and Mary A. Hepburn (1995). "The rebirth of political socialization." *Perspectives on Political Science* 24.1: 7-16.

Niemi, R. G., & Sobieszek, B. I. (1977). Political socialization. *Annual Review of Sociology*, 209-233.